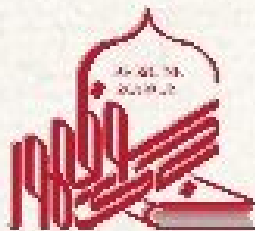


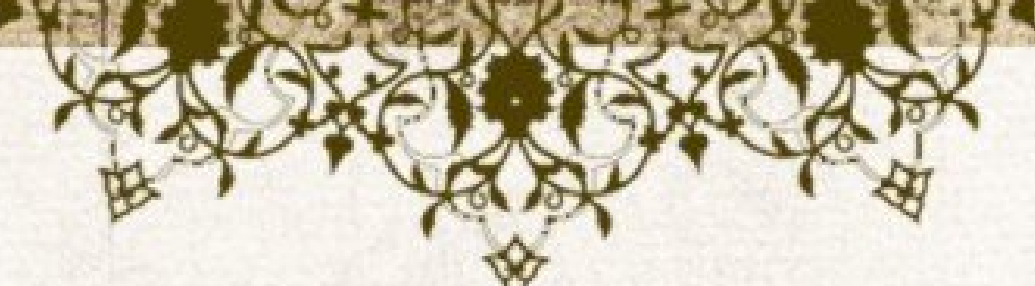
«هوالحکیم»

«انکار قسمتی از دین»


سخنران:

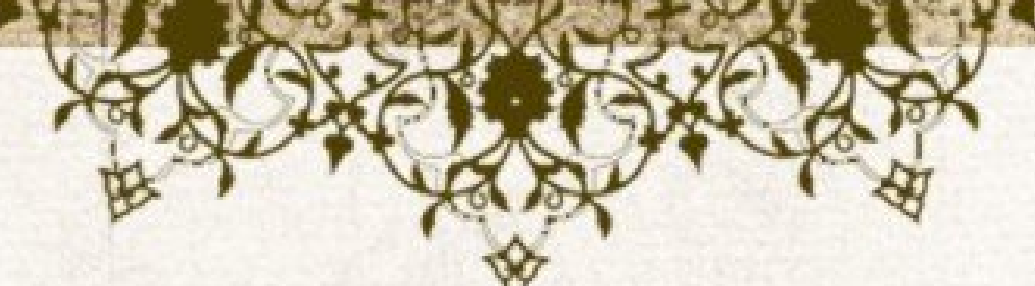
دکتر باقرپور کاشانی






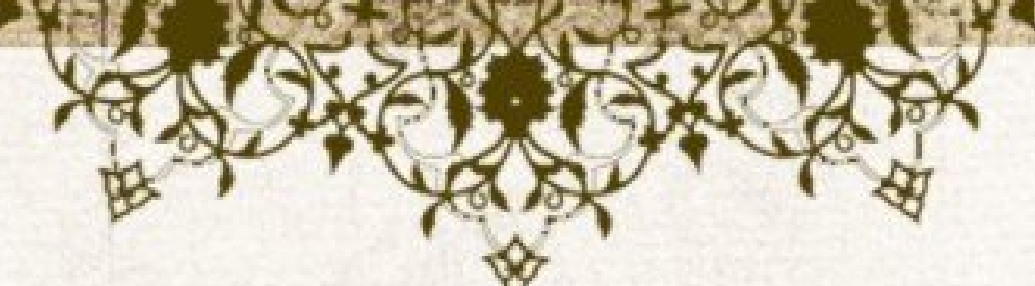
یک وقت رسیده‌ای از ناحیه‌ی پیامبر، از ناحیه‌ی خداست، انکار داره می‌کنه! اگه یک فرع فقهی هم انکار بکنه، این از دین خارج می‌شه! یعنی مثلاً فرض کنید که چی بگم مثلاً! یک حکمی در دین باشه یک فقه، در فقه ما یک حکمی باشه، بعد یک نفر براش سنگین بیاد، نمی‌خواد قبول بکنه! می‌دونه در قرآن هم هست! نبی اکرم فرمودن، ائمه‌ی معصومین فرمودن، قبول نمی‌کنه! این همون یکی... همه رو اعتقاد داشته، همین یکی از دین خارج می‌شه! اما یک نفر چی؟ می‌گه آقا این‌ها رو آخوندها درست کردن! این ملاها درست کردن! چنین چیزی نیست! این‌ها خودشون درست کردن!





خب این بنده‌ی خدا نگاه دیدش اینه. این نه! این جاهل قاصر، که البته باید بالاخره ببینه ملاها درست کردن یا درست نکردن باید بره دنبالش! باید بالاخره به نتیجه‌ای برسه، نمی‌تونه به این صورت باشه! ولی خب، البته این باز بستگی داره چی رو انکار بکنه... چی رو انکار بکنه. اگه ضروری دین باشه، اون باز فرق نمی‌کنه! بالاخره شما فرض کن به این‌جا برسی که نبی اکرم هم انکار بکنی! اصلاً هیچ غرض و مرضی هم طرف نداشته، ولی خب از دین خارج می‌شه. حالا این می‌ره جهنم؟ نه! اگه چنان‌چه مستضعف فکری باشه، فرمودن سه گروه این‌ها جهنم نمی‌رن؛ یکی اطفال هستن، یکی مجانین هستن... دیوانه‌ها هستن، یکی دیگه مستضعفینن.





یعنی فرض بکنید که یک چوپان فرض بکنید که پشت کوه بوده،
اصلاً شیعه به گوشش نخورده این بابا! سوادی هم نداشته، به این
صورت از دنیا می‌ره، یعنی خدا اون رو می‌بره جهنم؟ اصلاً به گوشش
نخورده! یا اگر هم به گوشش گفتن ترور شخصیت کردن، بد گفتن،
بد انتقال دادن! این نه! ولی اگه یک نفر می‌توانسته بره دنبال حق
نرفته کوتاهی کرده! می‌تونسته واقعاً. یا نه! رفته و به نتیجه رسیده،
لج کرده، نخواسته بپذیره! این قطعاً گرفتاره!

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَدْحَ

